

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینة ایران

فرستنده: توماج

۱۱/۰۲/۲۵

۰۳ [حوت] اسفند ۱۳۸۹ خوندویس

نامه سرگشاده خواهرزاده خامنه‌ای به دکتر سروش

دکتر محمود مرادخانی (تهرانی)، خواهرزاده آیت‌الله خامنه‌ای که از مخالفان دائمی [ماما] خود محسوب می‌شود، امروز به نامه سرگشاده دکتر سروش واکنش نشان داد. پسر شیخ علی تهرانی، ضمن زیر سؤال بردن «روشن‌فکری مذهبی» از سروش می‌پرسد: «همواره از خود می‌پرسم چرا امثال شما ظلم رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را تنها امروز به این وضوح می‌بینید؟ مگر ظلم‌های رفته بر دیگران در طی سی و دو سال عمر نکبت‌بار جمهوری اسلامی، که خارج از محدوده خانوادگی شما بوده‌اند، ظلم نبودند؟» متن نامه دکتر محمود مرادخانی که به خوندویس ارسال شده به شرح زیر است:

جناب آقای عبدالکریم سروش

بسیار مسرورم که بالاخره شما و امثال شما به ماهیت خبیث سردمداران رژیم جمهوری اسلامی واقف آمدید. نامه اخیر شما را خواندم. چه خوب که پس از انتظارها، خواست ما بر شدید الحن شدن نوشته‌های شما تا مقداری برآورده شد.

آن موقع که ما جنگ‌طلبی‌ها و آدم‌کشی‌های خمینی و سپس نوچه‌های بازمانده‌اش را به باد انتقاد قرار می‌دادیم، تنها بودیم و امثال شما در جبهه مقابل هنوز به فرهنگ خرافات به قول خودتان کافرپرور حضرات اعتقاد داشتید. در این مختصر می‌خواستم تنها به دو نکته خلاصه وار اشاره کنم و امیدوارم که به آنها شما توجه و تفکر عمیق بنمائید.

نکته یکم این است که همواره از خود می‌پرسم چرا امثال شما ظلم رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را تنها امروز به این وضوح می‌بینید؟ مگر ظلم‌های رفته بر دیگران در طی سی و دو سال عمر نکبت‌بار جمهوری اسلامی، که خارج از محدوده خانواده گی شما بوده‌اند، ظلم نبودند؟

هنگامی که ثریا مهریزی برای خبرگیری از شوهر بی‌گنااهش به زندان وکیل آباد مشهد می‌رود، او را نیز می‌گیرند و به همراه شوهرش اعدام می‌کنند. سال ۱۳۵۹ بود. بسیاری در خواب خوش و اما ما، هر چند که از خانواده ما نبود، هر آنچه را توانستیم انجام دادیم. علی خامنه‌ای در جریان بود ولی هیچ نکرد! قاسم فردی بود که علی خامنه‌ای در جلسه‌ای (قبل از انقلاب ۵۷) در موردش گفت: اگر دختر می‌داشتیم به قاسم می‌دادیم! هم ثریا را و هم شوهرش قاسم را علی خامنه‌ای شکنجه کرد و کشت.

هنگامی که دانستیم که سینما رکس آبادان را برای اسلام و برای خدا به آتش کشیده‌اند، بسیاری باز هم در خواب بودند و ندیدند و نشنیدند، ولی ما بودیم و فریاد برآوردیم، هر چند فریاد ما آنزمان جیغی تنها در اقیانوس سکوت به اصطلاح روشنفکران اکثرا مذهب‌گرا بود! و و هنگام‌های بسیاری دیگر را می‌توان برشمرد.

نکته دوم اینکه مناسب است اشاره‌ای کنم به جمله زیبا و بسیار درست دیپلمات جدا شده از رژیم، آقای احمد ملکی که می‌گوید: اولین راه مبارزه با ظلم، ترک ظالم است. آیا زمان آن نرسیده است که شما نیز ترک ظالم به معنای واقعی آن را بکنید؟ آیا روشنفکر مذهبی می‌تواند وجود داشته باشد؟

به باور من در مذهب و مخصوصا در اسلام، روشنفکر معنا و مفهوم ندارد. چرا که روشنفکر نوآور است، به امروز علم دارد و تلاش در ساختن فردائی نوین را دارد. اما در مذهب تلاش تنها در توجیه نقل قول‌هایی است که حتی صحت نقل قولی آنها مشخص و معلوم نیست. چگونه یک روشنفکر مذهبی می‌تواند فلسفه‌ای نوین را ارائه بدهد؟ مگر آنکه روایت و یا حدیثی جدید را بسازد؟! ترجمه‌ای من درآوردی از آیات قرآن بکنند و یا روایتی را در مقابل روایتی دیگر بگذارند!؟

من بر این باورم که زنجیر مذهب بر هر پائی که باشد، گوش را کر، چشم را نابینا و زبان را آلوده می‌کند. شما در جمله‌ای آورده‌اید که دین به مانند شراب است که حیوان را حیوان‌تر و انسان را انسان‌تر می‌کند! جمله زیباست و قافیهدار ولی اما من هیچ گاه ندیده‌ام که شراب انسان را انسان‌تر کرده باشد! مگر در اشعار عرفانی! دین نیز هرگز انسانی را انسان‌تر ننموده است. چرا که اصل دین بر پایه انسانیت نیست. در دین هر آنچه بر روی زمین و آسمان است، بنده و برده پروردگار می‌باشد. به پروردگار است که باید سود رساند و نه به بنده و برده! اگر هم این اصل را بر شما تقیه کردند، ولی در عمل آن را انجام دادند.

کدامین آخوند را شما سراغ دارید که سودی برای جامعه و انسان‌ها داشته است؟ حتی علی‌تهرانی‌ها و علی‌شریعتی‌ها هم مگر سودی به‌جز هموار نمودن راه برای خمینی را داشتند؟ اگر هم در اینجا و یا در آنجا و مخصوصا در میان مذهب‌یون مسیحی فردی را سراغ دارید که به انسانیت و به انسان‌ها خدمت کرده است، آن فرد فعالیت انسان دوستانه خود را از روی عشق و خارج از حوزه سنتی مذهب و کلیسا انجام داده است.

جناب آقای سروش، نکته‌های بسیار دیگری نیز به نظرم می‌آیند و اگر آنها را نمی‌نگارم نه به خاطر نداشتن جوهر در قلم که بر این باورم که ... یک کلام بس باشد!

به باور من زمان آن رسیده که روشن و محکم نادرستی و بی‌سودی افکار آخوندی را برملا کنیم، خود را از آنها مبرا و جامعه را به مبارزه فعال با این جانیان انگل دعوت نماییم. لعنت و نفرین برآزنده و شایسته انسان روشن‌فکر نیست. اینها همه خرافاتی آخوندی بیش نیستند. تنها کنشهای سودمند من و شماست که دیروز را ترمیم و فردا را می‌توانند بسازند.

شاد و سلامت باشید

دکتر محمود تهرانی / فرانسه - ۳ اسفند ماه